

## یک روز در ریاست پاسپورت؛

### از ستیز با هویت تا شلاق زدن مردم



نه ماه از تسلط طالبان گذشته بود. در نخستین روز هفته، صبح وقت بعد از آن نماز، بنا بر اشتباه تائیدی که در پاسپورت خانواده‌گی ما اتفاق افتاده بود، روانه ریاست پاسپورت شدیم. در این مسیر من تنها نیستم، خواهرم که از من دو سال کوچک است را نیز با خود دارم. پیش از طلوع آفتاب، به اداره پاسپورت نزدیک شدیم. ترس تمام بدن ما را فرا گرفته بود. باید ما زن‌ها، تنها وارد ریاست می‌شدیم. در نزدیک درب ورودی آن ریاست، باید از موتر حامل خود پیاده می‌شدیم و از ایست بازرسی عبور می‌کردیم تا...

### ماجرای میل عشق آباد به طالبان



## ادامه حذف نهادهای دولتی؛

# طالبان تشکیلات تربیه معلم را لغو کردند

## یک عضو شاخه جماعت الاحرار تی تی پی در پکتیکا کشته شد



۸صبح، پکتیکا: یک فرد مهم تحریک طالبان پاکستانی (TTP) در ولایت پکتیکا کشته شد. منابع معتبر در این ولایت روز جمعه، ۲۳ سرطان، به روزنامه ۸صبح، تایید کرده‌اند که شب گذشته یک عضو شاخه جمعیت الاحرار تحریک طالبان پاکستانی در شهر شرن، مرکز ولایت پکتیکا، از سوی تفنگ‌داران ناشناس به قتل رسیده است. فرد کشته‌شده قاری محمد نام داشته و به محمدابراهیم مشهور بوده است.

از سوی دیگر، رسانه‌های پاکستانی در مورد کشته شدن این فرمانده نوشته‌اند که وی از افراد نزدیک به خالد خراسانی، عضو برجسته تی تی پی بوده و تحت تعقیب نیروهای امنیتی پاکستان قرار داشته است. در همین حال، اکسپرس تریبون به نقل از منابعش مدعی شده که این فرد مسوول گروه جمعیت الاحرار بوده است.

طالبان افغانستان و تی تی پی تا کنون در مورد قتل این فرد واکنشی نشان نداده‌اند.

این عضو تحریک طالبان پاکستانی در حالی به گونه مرموز در پکتیکا به قتل رسیده است که طالبان روند انتقال اعضای این گروه را از ساحات مرزی بین افغانستان و پاکستان به شمال کشور آغاز کرده‌اند.

از سویی دیگر، به‌تازگی جنرال عاصم منیر، رئیس ستاد ارتش پاکستان، از طالبان خواسته است تا جلو حملات تی تی پی را از خاک افغانستان بر پاسگاه‌های امنیتی این کشور بگیرند. قتل اعضای تی تی پی در پکتیکا بی‌پیشینه نیست. سال پار نیز در دو انفجار جداگانه در ولسوالی برمل این ولایت، چهار عضو تحریک طالبان پاکستانی کشته شدند و ۱۱ تن دیگر زخم برداشتند.

## از کشمیر تا نوار غزه؛ سلاح‌های امریکایی چه گونه به دست شورشیان رسیده است؟



## تفنگ‌داران ناشناس یک هتل دار را در مرکز پکتیکا کشتند و فرار کردند

۸صبح، پکتیکا: باشندگان ولایت پکتیکا می‌گویند که تفنگ‌داران ناشناس یک تن را در این ولایت به رگبار بسته‌اند.

این رویداد بامداد روز جمعه، ۲۳ سرطان، در شهر شرن، مرکز این ولایت، رخ داده است.

فرد قربانی که هویت آن مشخص نیست، باشندگان ولایت ننگرهار بوده و پس از آن که هدف تیراندازی مردان موترسایکل سوار قرار گرفت، جان باخته است.

قربانی از چندین سال به این سو در شرن هتل‌داری می‌کرده است.

مهاجمان پس از تیراندازی از ساحه فرار کرده‌اند.

تا کنون انگیزه این رویداد روشن نیست و طالبان در این مورد چیزی نگفته‌اند.

ناامنی در پکتیکا در روزهای اخیر افزایش یافته و نگرانی باشندگان این ولایت را برانگیخته است.

دو روز پیش نیز یک نظامی حکومت پیشین در این شهر هدف تیراندازی قرار گرفت و جان باخت و جسد یک دختر جوان از ولسوالی ارگون این ولایت یافت شد.



## ۴۵ روز در بند؛ فریدم ناو خواستار آزادی فوری

### حسب احراری شد



این نهاد گفته که احراری، شاعر پنجشیری، ۴۵ روز است که به ناحق از سوی طالبان بازداشت شده است.

این نهاد بازداشت احراری را منعکس‌کننده سرکوب مداوم جامعه مدنی در افغانستان دانسته است.

فریدم ناو همچنان خواستار آزادی تمامی اعضای جامعه مدنی که به ناحق در زندان‌های طالبان نگاهداری می‌شوند، شده است.

طالبان تا کنون در مورد دلیل بازداشت وی چیزی نگفته‌اند.

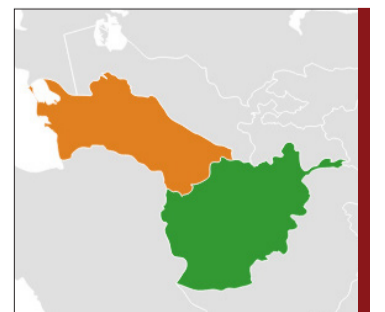
حسب احراری روز پنج‌شنبه، ۷ جوزا، از خانه‌اش در ساحه کوتل خیرخانه شهر کابل بازداشت شد.

چندی پیش همسرش در صحبت با روزنامه ۸صبح گفت که صدای دادخواهی آنان را هیچ نهادی نشنیده است.

۸صبح، کابل: پس از گذشت دست‌کم ۴۵ روز از بازداشت شاعر اهل پنجشیر تا کنون از سرنوشت او اطلاعی در دست نیست. نهاد امریکایی (Freedom Now) روز جمعه، ۲۳ سرطان، با نشر توییتی از طالبان خواسته تا فوراً حسب احراری، شاعر و نویسنده را آزاد کنند.

## تنش مرزی میان ترکمنستان و افغانستان

اختلافات و تنش‌های مرزی یکی از عوامل عمده و پایدار درگیری و برخورد در آسیای مرکزی بوده که ثبات و امنیت منطقه...







## هراس شهباز شریف از آینده تعلیمی کشورش

وضع تعلیم و تربیه در پاکستان ناگوار است. اقلیتی در شهرهای بزرگ، به خصوص خانواده‌های اشراف به تعلیم و تحصیل پیش‌رفته و پر از امکانات دسترسی دارند. برخی مکاتب پاکستان نصاب غربی را تعقیب می‌کنند، معلمان بسیار ماهر و امکانات فنی خوب دارند. تعدادی از دانشگاه‌های پاکستان نیز معتبرند، تاریخچه طولانی تربیت کادری علمی دارند و از لابراتوار، مراکز تحقیق و روابط متقابل با دانشگاه‌های معتبر جهانی برخوردارند. اما این مکاتب و دانشگاه‌های پیش‌رفته چون زورق‌های کوچک در آب توفانی، در حال غرق شدن در بحران بی‌تعلیمی و تندرستی‌اند. بخش بزرگی از جمعیت آن کشور به ابتدایی‌ترین امکانات تعلیمی دسترسی ندارند. در برخی مناطق از جمله بلوچستان نرخ کودکان دور از مکتب بالای ۵۰ درصد است و در جاهایی این رقم تا ۸۰ درصد نیز می‌رسد. با تمام این‌ها، طبقه حاکم و آنانی که اداره اردو، سیاست و اقتصاد کشور را در دست دارند، خود را مدافعان سرسخت آموزش دانسته و به سوابق دیرینه جامعه پاکستان در آموزش عصری می‌بالند. صدراعظم پاکستان، شهباز شریف، به‌تازگی گفته است که قصد دارد از قدرت کنار برود و از حکومت آینده می‌خواهد که آموزش را در صدر اولویت‌هایش قرار دهد.

پيامی که قدرت‌مندان پاکستان به منطقه، به خصوص افغانستان ارسال می‌کنند، با آن‌چه برای کشور خود می‌خواهند، فرق دارد. بیش از نیم قرن است که رهبران سیاسی و نظامی پاکستان پشت مخالفان تعلیم و نیروهای ارتجاعی ایستاده‌اند که با هر گونه نشانه تحول اجتماعی و فرهنگی در جامعه ما می‌جنگند. پاکستان آن گروه‌ها را پرورده، در معاملات بین‌المللی عرضه کرده، به جنگ فرستاده و تا تسخیر قدرت حمایت نموده است. حاکمان پاکستان رسماً قدرت‌گیری نیروهای عقب‌مانده در افغانستان را جشن می‌گیرند و چنان‌که در سال ۲۰۲۱ دیدیم، برای توجیه حاکمیت گروه دست‌پرورده خود از هیچ تبلیغی دریغ نکردند. سلف شهباز شریف، از سیاست‌های ضدتعلیمی طالبان زیر نام فرهنگ افغان‌ها دفاع کرده بود. پس از آن نیز در برابر زن‌ستیزی و سیاست‌های ضد تعلیمی طالبان شاهد واکنش‌های بسیار در گوشه و کنار جهان بودیم، اما از پاکستان جز حمایت و توجیه چیزی نشنیدیم.

اعمال نفوذ بر جوامع و کشورهای دیگر در سیاست رایج است. دولت‌های زیادی در این نیم قرن برای تسخیر افغانستان یا حداقل اعمال نفوذ سیاسی، به کشور ما تهاجم کرده یا حلقاتی را حمایت نموده‌اند. کشورهای که از عواقب مستقیم ترویج جهالت در افغانستان دور می‌مانند، ممکن برای پی‌گیری اهداف سیاسی به هر نیرویی متوسل شوند، اما مملکتی که با رشته‌های بسیار با افغانستان پیوند دارد، نمی‌تواند طالب‌پروری کند و انتظار داشته باشد که خود به سوی توسعه آموزش و ترقی حرکت نماید. چنان‌که می‌بینیم، ائت طالب دامن پاکستان را گرفته است، ناآرامی و تندرستی در سراسر آن کشور رخنه کرده و میلیون‌ها کودک از تعلیم محروم شده‌اند. گمان نمی‌رود تا زمانی که قندهار قرارگاه مشهورترین حاکم ضدتعلیم باشد، کویته به شکوفایی فرهنگی و علمی برسد، و در حالی که کابل با حمایت اسلام‌آباد زندان زنان و کشتارگاه آزادی‌های مدنی باشد، پیشاور و راولپندی از تیررس بنیادگرایی دور بمانند. ثبات و پیشرفت کشورهای منطقه در کل و از افغانستان و پاکستان به‌طور خاص، به هم گره خورده است. متأسفانه دورویی پاکستان در حمایت از تعلیم و ترقی برای همه ما هزینه‌های بسیار خواهد داشت و میلیون‌ها کودک افغان و پاکستانی در سال‌های پیش‌رو و تا زمانی که پروژه تندرستی و طالبانیسم متوقف نشود، از تعلیم بی‌بهره خواهند ماند. شهباز شریف نیز این را می‌داند و تاکیدش بر اهمیت آموزش، بیانگر هراسش از آینده است.

## گزارش دیلی میل؛ دولت بریتانیا جا دارد، اما به پناهجویان افغان نمی‌دهد



۸صبح، کابل: در ادامه بگومگوها بر سر عدم اسکان پناهجویان افغان در بریتانیا، اکنون گزارش شده که دولت این کشور با آن‌که دست کم پنج هزار اتاق خالی در هتل‌ها دارد، همکاران افغانش در کشورهای دومی را انتقال نمی‌دهد. دیلی میل روز پنج‌شنبه، ۲۲ سرطان، گزارش داده، مترجمان افغانی که جان خود را برای بریتانیا به خطر انداخته‌اند به دلیل کمبود مسکن نمی‌توانند اجازه انتقال به بریتانیا را دریافت کنند. وزارت داخله بریتانیا گفته که در حال حاضر پنج هزار اتاق خالی در هتل‌های این کشور دارد، اما ویژه پناهجویان دیگر از جمله کسانی است که از کانال مناس به‌گونه غیرقانونی به این کشور می‌آیند.

این عملکرد بریتانیا با موجی از انتقادات از سوی همکاران افغان این کشور و کسانی دیگر در بریتانیا مواجه شده است. گزارش شده که این عملکرد وزارت داخله بریتانیا از سوی وکلای پناهجویان افغان به چالش کشیده شده و همه امیدها به رأی دادگاه عالی این کشور بسته شده تا دستور رفع این بلاتکلیفی را بدهد. در حال حاضر حدود دو هزار پناهجوی افغان در کشورهای دومی در انتظار تخلیه هستند، زیرا بدون تثبیت مکان بودوباش برای آنان ویزا صادر نمی‌شود.

کریم، ۳۶ ساله، ناظر سابق مترجمان نظامی بریتانیا که بیش از یک سال است به همراه همسر و فرزندش در هوتلی در اسلام‌آباد به‌سر می‌برد با انتقاد از عملکرد بریتانیا گفته است: «طالبان از رفتن فرزندان ما به مکاتب جلوگیری کردند، اکنون دولت بریتانیا با نگهداری ما در هتل‌ها، آنان را از تحصیل نیز باز می‌دارند.»

در همین حال، دکتر سارا دی‌جونگ از کمپاین کنندگان برای ترجمانان افغان می‌گوید که هتل‌های بریتانیا راه حل دائمی نیستند، اما بی‌نهایت بهتر از هتل‌های پاکستان و سایر کشورهای دومی هستند.

دولت بریتانیا ماه حمل سال جاری به پناهجویان افغان که در بریتانیا به‌سر می‌برند، دستور تخلیه هتل‌ها را داد؛ در حالی که جای بدیل برای آنان در نظر گرفته نشده است.

چندی پیش شورای کارگران بریتانیا با انتقاد از این سیاست دولت، خواستار اعمار شهرک به پناهجویان افغان شد، موردی که با مخالفت محافظه‌کاران مواجه گردید.

از زمان تسلط طالبان بر کشور دست کم ۲۴ هزار و ۵۰۰ تن از همکاران بریتانیا و خانواده‌هایشان و افراد آسیب‌پذیر منتقل شده‌اند، اما هنوز ده‌ها خانواده افغان در کشورهای دومی در انتظار تخلیه هستند.

## نگرانی‌ها از تهدید تروریسم؛ وزارت خارجه پاکستان از طالبان خواست تا به تعهداتشان عمل کنند

موضوع «تهدیدات تروریسم از آن سوی مرز» پای‌بند است.

بلوچ تصریح کرده که مقامات طالبان در این زمینه مسوولیت دارند تا اطمینان حاصل کنند که از خاک افغانستان تهدیدی متوجه پاکستان نیست. طالبان همواره استفاده از خاک افغانستان علیه پاکستان را رد کرده‌اند و گفته‌اند که اجازه این کار را نمی‌دهند.

این اظهارات در حالی صورت می‌گیرد که طالبان طبق توافق با اسلام‌آباد هزاران جنگ‌جوی تحریک طالبان پاکستانی (تی‌تی‌پی) را همراه با خانواده‌هایشان در ولایات شمالی و مرکزی کشور جایه‌جا کرده‌اند.

در ادامه، این اقدام طالبان با استقبال از سوی مقام‌های پاکستانی از جمله آصف درانی، نماینده ویژه پاکستان برای افغانستان، همراه شد. درانی این طرح را برای امن‌سازی ساحات مرزی کشورش یک تحول بزرگ خواند.



۸صبح، کابل: به ادامه نگرانی‌های پاکستان از تهدیدات امنیتی، سخنگوی وزارت امور خارجه این کشور بار دیگر از طالبان خواست تا اجازه استفاده از خاک افغانستان را به گروه‌های تروریستی ندهند. روزنامه نیشن پاکستان گزارش داده که ممتاز زهرا بلوچ روز پنج‌شنبه، ۲۲ سرطان، در یک نشست خبری گفته است، در زمینه مبارزه با گروه‌های تروریستی و عدم استفاده از خاک افغانستان علیه پاکستان طالبان باید به تعهداتشان عمل کنند. وی بار دیگر تاکید کرده که اسلام‌آباد به تعهد خود برای تعامل و همکاری با طالبان در همه زمینه‌ها به‌ویژه نگرانی‌های مشترک از جمله رسیده‌گی به

## طالبان در بادغیس برای تبلیغات‌شان در شبکه‌های اجتماعی کارمند استخدام کردند

۸صبح، بادغیس: منابع محلی در بادغیس می‌گویند که طالبان در این ولایت برای طرح‌های تبلیغاتی‌شان در شبکه‌های اجتماعی کارمند استخدام کرده‌اند.

منابع روز پنج‌شنبه، ۲۲ سرطان، می‌گویند که طالبان در این ولایت به شماری از کارکنان اداره‌های دولتی وظیفه سپرده‌اند تا پس از این با ایجاد حساب‌های کاربری در شبکه‌های اجتماعی به نفع این گروه تبلیغات کنند.

منابع می‌افزایند که طالبان به این افراد سیمکارت مخصوص توزیع کرده و ماهانه نیز مقدار پولی را برای آنان به‌عنوان معاش تعیین کرده‌اند.

طالبان به این افراد گفته‌اند که در شبکه‌های اجتماعی مانند توئیتر و فیس‌بوک حساب ایجاد کرده و حساب‌های که به نفع این گروه تبلیغات دارند را ریتوییت و اشتراک‌گذاری کنند.

به گفته منابع، طالبان همچنان به این افراد اضافه کرده‌اند حساب‌های که علیه این گروه تبلیغات منفی دارند را رپورت کنند.

طالبان تا کنون در این مورد چیزی نگفته‌اند. گفتنی است که طالبان از پلتفرم توئیتر برای تبلیغات‌شان استفاده زیادی می‌کنند و در مواردی این شرکت حتا در بدل پول به اعضای این گروه مارک آبی نیز داده است.

شماری از شهروندان کشور گاه‌ها با نشر هشتم‌هایی، خواستار حذف حساب‌های کاربری طالبان در توئیتر شده‌اند.

امروز نیز ده‌ها تن از خبرنگاران، فعالان مدنی و سیاسی، دانشگاهیان و مقام‌های حکومت پیشین، آن‌چه ترویج تروریسم از سوی طالبان با استفاده از پلتفرم توئیتر می‌دانند، خواستار تحریم افراد این گروه از سوی ایلان ماسک شده‌اند.



## چهار باب مرکز صحنی به ارزش بیش از ۷۰۰ هزار دالر در لوگر اعمار شد

۸صبح، لوگر: مقام‌های صحنی طالبان در لوگر می‌گویند که چهار باب مرکز صحنی از سوی انجمن رهنمایی خانواده‌های افغان (AFGA) به همکاری ریاست صحت عامه تحت مدیریت این گروه در این ولایت اعمار شده است.

داکتر فهیم‌الله لودین، سخنگوی ریاست صحت عامه طالبان در لوگر روز پنج‌شنبه، ۲۲ سرطان، می‌گوید که این مراکز به‌شمول مرکز، در ولسوالی‌های ازه، محمدآغه و بره‌کی‌برک این ولایت به شکل پخته و اساسی ساخته شده است.

به گفته وی، این مراکز صحنی در ساحات دورافتاده و محروم از خدمات بهداشت درمانی این ولایت، به ارزش ۷۵۰ هزار دالر آمریکایی ساخته و به بهره‌برداری رسید.

لودین تصریح کرده است که در هر مرکز صحنی به‌شمول یک داکتر MD، نرس، قابله، مشاور روانی، مشاور تغذیه و واکسیناتورهای زنانه برای مردم عرضه خدمات می‌کنند.

گفتنی است که پیش از این به‌دلیل ازدحام و مراجعان بیش از حد شفاخانه ولایتی نایب امین‌الله خان به مریضان در این ولایت رسیده‌گی کرده نمی‌توانسته است.

طبق گفته‌های منابع، این مرد چند روز پیش نیز پرسش را تهدید به مرگ کرده بود.

طالبان تاکنون در مورد این رویداد چیزی نگفته‌اند. رویدادهای این چنینی در ولایت بادغیس کم‌پیشینه بوده است.

این در حالی است که در اواخر سال گذشته نیز پدری در ولسوالی دند ولایت قندهار پرسش را کشته بود.

۸صبح، بادغیس: منابع محلی در بادغیس می‌گویند که یک مرد در این ولایت پسر ۱۴ ساله‌اش را حلق‌آویز کرده و به قتل رسانده است. منابع به روزنامه ۸صبح می‌گویند که این مرد روز چهارشنبه، ۲۱ سرطان، در ولسوالی قادس ولایت بادغیس پرسش را کشته است. علت این رویداد خشونت‌های خانواده‌گی عنوان شده است.

## مردی در بادغیس پسر ۱۴ ساله‌اش را به دار آویخت



## ادامه حذف نهادهای دولتی؛

## طالبان تشکیلات تربیه معلم را لغو کردند

وزارت معارف طالبان گفته که این تصمیم بر اساس دستور کمیسیون تشکیلات و معاشات ریاست‌الوزرای این گروه گرفته شده است. وزارت معارف این گروه تصریح کرده که این تصمیم به هدف ایجاد ساختارهای منطقی، پویا و پاسخگو گرفته شده تا کیفیت تعلیمی، تقویت اداره سالم و استفاده خوب از منابع و امکانات به میان بیاید. با این حال، برنامه مشخص و زمان‌بندی خاصی برای جاگزینی تربیه معلم پیشنهاد نکرده است.



با افراد طالبان در بست‌های دیگر وزارت معارف جذب کردند، اما سرنوشت صدها کادر مسلکی، متخصص و باتجربه همچنان در ابهام قرار دارد. با این حال، شمس‌الدین (مستعار) استاد در یکی از نهادهای تربیه معلم می‌گوید که نهادهای تربیه معلم زمینه خوبی برای فراگیری آموزش‌های مسلکی و تخصصی آموزگاران مکتب‌ها فراهم کرده بود. به گفته او این نهادها در مناطق دوردست از کارکرد بیشتری برخوردارند و باید این ساختار حفظ و تقویت شود. این استاد تأکید می‌کند که با لغو تربیه معلم، علاوه بر وارد کردن ضربه جبران‌ناپذیر به روند توسعه معارف، مشکلات اقتصادی و بیکاری را نیز افزایش می‌دهد.

از سوی دیگر، شماری از استادان و کارمندان نهادهای تربیه معلم می‌گویند که طالبان به جای بازگشایی مکتب‌ها و فراهم کردن زمینه‌های آموزشی و تحصیلی برای دختران و زنان، بر صفوف بیکاران می‌افزایند و محدودیت‌های بیشتر وضع می‌کنند. برخی از آنان حذف تشکیلات تربیه معلم را سرمایه‌گذاری برای مدرسه‌های دینی عنوان می‌کنند. به گفته آنان، طالبان با بستن درجه‌های آموزش مدرن، فضا را به سوی ایجاد مدرسه‌های جهادی و دینی بیشتر مساعد می‌سازند و هزینه‌های این نهاد را ممکن برای سر‌بازگیری و تقویت نیروهای شان در مدرسه‌های دینی به مصرف برسانند.

گفته می‌شود که با حذف تربیه معلم حدود سه هزار و ۷۰۰ استاد در ساختار وزارت معارف، وظایف‌شان را از دست می‌دهند و معلوم نیست که چه تعداد از آن‌ها بتوانند دوباره جذب گردند.

این در حالی است که وزارت معارف این گروه سال گذشته نیز شماری از معینیت‌ها و ریاست‌های عمومی این نهاد را حذف، مدغم یا هم تعدیل کرده است که در نتیجه آن ده‌ها تن اضافه بست و بیکار شده‌اند. وزارت معارف در آن زمان گفته بود که این اقدام به منظور اصلاحات انجام شده که طی آن بعضی از ریاست‌ها و معینیت‌ها با هم ادغام شده است. طالبان پیش از این شورای ملی، کمیسیون‌های انتخاباتی، کمیسیون مستقل حقوق بشر، کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی، دفتر وزیر دولت در پارلمانی، دفتر وزیر دولت در امور صلح و شورای عالی مصالحه ملی را از ساختار دولتی حذف کرده و آن‌ها را غیرضروری خوانده‌اند.

این امر منطق وجودی تربیه معلم را زیر پرسش می‌برد. آقای ساقی می‌افزاید: «تعداد بسیار این‌ها، استادان ورزیده هستند. تربیه معلم بالاترین میزان آموزش‌های ارتقای ظرفیت و داخل خدمت را تجربه کرده است. بی‌سرنوشتی آنان ضربه به نظام آموزشی است. هم یک مشکل اخلاقی و حقوقی است و هم باعث بیکاری و فقر می‌شود.» این پژوهشگر که استادی در تربیه معلم غور را در کارنامه دارد، می‌گوید که وزارت معارف تحت کنترل طالبان باید استادان تربیه معلم را به سه کتگوری تقسیم می‌کرد. به گفته او استادان مستعد به دانشگاه‌های ولایت‌های مربوطه جذب می‌شدند. از نظر وی، دسته دومی به امریت نظارت و مرکز ساینس و سایر بخش‌های مربوطه معارف و کتگوری سومی که ظرفیت پایین‌تر دارند، به مکتب‌ها جذب می‌شدند.

این پژوهشگر تصریح می‌کند که وزارت معارف باید در همکاری با نهادهای بین‌المللی مانند صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف)، پروژه‌های میان‌مدت و بلندمدت در عرصه آموزش را طراحی می‌کرد و از استادان تربیه معلم در راستای تقویت پایه‌های آموزشی کار می‌گرفت. او تأکید می‌کند که باید راه حل مناسب در این زمینه در نظر گرفته شود.

گفتنی است که این تصمیم طالبان، انتقاد و نگرانی صدها استاد و کارمند اداری این نهادها را به دنبال داشته است. شماری از استادان و کارمندان تربیه معلم می‌گویند که طالبان هیچ برنامه بدیل برای آنان در نظر نگرفته‌اند و از همین رو آنان خواستار بازنگری این تصمیم شده‌اند.

یکی از استادان که نمی‌خواهد نامش در گزارش ذکر شود، می‌گوید که او حدود ده سال قبل به‌عنوان آموزگار در یکی از نهادهای تربیه معلم کشور مقرر شده و با تمام توان در تعلیم و تربیه در کشور کار کرده است.

او می‌گوید که به رغم مشکلات اقتصادی توانسته بود برنامه ماستری را در دانشگاه امریکایی افغانستان به پایان برساند و نیز در برنامه‌های آموزشی کوتاه‌مدت و میان‌مدت در خارج از افغانستان اشتراک داشته و تجارب سودمند کسب کرده است. این استاد تأکید می‌کند که طالبان هیچ برنامه جاگزینی به آنان پیشنهاد نکرده‌اند. به گفته او عده‌ای اندک ممکن بتوانند در تبانی

بر اساس دستور کمیسیون تشکیلات و معاشات ریاست‌الوزرای این گروه گرفته شده است. وزارت معارف این گروه تصریح کرده که این تصمیم به هدف ایجاد ساختارهای منطقی، پویا و پاسخگو گرفته شده تا کیفیت تعلیمی، تقویت اداره سالم و استفاده خوب از منابع و امکانات به میان بیاید. با این حال، برنامه مشخص و زمان‌بندی خاصی برای جاگزینی تربیه معلم پیشنهاد نکرده است. در اعلامیه این وزارت گفته شده که استادان و کارمندان نهادهای تربیه معلم، در بست‌های خالی مکتب‌ها، مدرسه‌ها و دارالحفاظ‌ها گماشته خواهند شد، اما توضیح داده نشده که برای چه تعداد از کارمندان بی‌سرنوشت، بست‌های جاگزین در نظر گرفته شده است. این اقدام باعث نگرانی و خشم استادان و کارمندان نهادهای تربیه معلم در کشور شده است.

در همین حال یکی از مسوولان پیشین وزارت معارف که به دلایل امنیتی نمی‌خواهد نامش در گزارش ذکر شود، به روزنامه ۸ صبح می‌گوید که محمداشرف غنی، رئیس جمهور پیشین، می‌خواست تربیه معلم را حذف کند، اما از سوی مسوولان پیشین وزارت معارف، مقاومت صورت گرفت. او می‌افزاید: «تربیه معلم را در زمان ما، غنی می‌خواست لغو کند، اما مقاومت صورت گرفت.» این مقام پیشین وزارت معارف می‌گوید که آنان ۳۴ زن را به‌عنوان رییس‌ان نهادهای تربیه معلم ولایت‌ها گماشته بوده‌اند و می‌خواستند این نهاد با وزارت تحصیلات عالی مدغم شود، نه این که لغو گردد.

از سوی دیگر، شماری از پژوهشگران و استادان تربیه معلم می‌گویند که با حذف تشکیلات تربیه معلم از ساختار وزارت معارف، حدود چهار هزار تن که شامل استادان و کارمندان اداری می‌شوند، بی‌سرنوشت شده‌اند. به گفته آنان، بیکاری چهار هزار تن، هزاران تن دیگر را که این‌ها نان‌آوران‌شان بودند، با فقر و گرسنگی روبه‌رو می‌سازد و باید چاره‌ای برای جذب مجدد آن‌ها در نهادهای دولتی سنجیده شود.

نبی ساقی، پژوهشگر در دانشگاه آکسفورد و استاد سابق تربیه معلم غور، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید که با تأسیس دانشکده تعلیم و تربیه در هر ولایت، استخدام چهارده‌پاس‌ها در مکتب‌ها دشوار شده است. به گفته او دانشکده‌های تعلیم و تربیه، سالانه صدها لیسانس فارغ می‌دهند که

طالبان در جریان دو سال گذشته تعداد زیادی از اداره‌های دولتی افغانستان را زیر نام اصلاحات و برچیدن فساد، تنزیل، مدغم و لغو کرده‌اند. در تازه‌ترین مورد وزارت معارف



امین کاوه

این گروه اعلام کرده که تربیه معلم از تشکیلات این وزارت حذف شده است. این وزارت با صدور اعلامیه‌ای تشکیلات تربیه معلم را «غیرموثر و غیرضروری» خوانده است. در این اعلامیه ادعا شده که تصمیم حذف از سوی حکومت پیشین گرفته شده، اما ساختارهای ولایتی آن بدون برنامه این وزارت فعالیت داشته است. به گفته طالبان، تصمیم حذف این اداره‌ها در جلسه کمیسیون تشکیلات و معاشات ریاست‌الوزرای این گروه نهایی شده است. با این حال، یکی از مقام‌های پیشین وزارت معارف می‌گوید که در گذشته تلاش برای مدغم شدن تربیه معلم با وزارت تحصیلات عالی جریان داشت، اما تصمیم به لغو آن گرفته نشده بود. از سوی دیگر، شماری از استادان و کارمندان این نهاد، ادعا می‌کنند که طالبان بودجه این نهاد را به مدرسه‌سازی اختصاص می‌دهند. در همین حال، برخی از پژوهشگران می‌گویند که با ایجاد دانشکده‌های تعلیم و تربیه در هر ولایت، ماهیت وجودی نهادهای تربیه معلم زیر پرسش قرار می‌گیرد. آنان اما می‌گویند که باید در مورد بی‌سرنوشتی هزاران کارمند و استاد این نهاد، فکر شود.

وزارت معارف طالبان به دنبال حذف تشکیلات تربیه معلم در افغانستان، با نشر خبرنامه‌ای گفته است که معینیت تربیه معلم از جانب حکومت قبلی از تشکیل وزارت معارف حذف شده بود. در اعلامیه این نهاد آمده است که ساختارهای ولایتی تربیه معلم، بدون برنامه در ساختار تشکیلاتی این وزارت، فعالیت داشته است. طالبان دلیل حذف این نهاد را مصرف میلیون‌ها افغانی در سال خوانده‌اند. به گفته وزارت معارف طالبان، ریاست‌های تربیه معلم سالانه صدها میلیون افغانی را هزینه فعالیت‌های اداری، حفظ و مراقبت زیربنایها، برق و معاشات کارمندان‌شان کرده‌اند. همچنان در اعلامیه این وزارت ساختارهای تربیه معلم «غیرموثر و غیرضروری و موازی» خوانده شده است. وزارت معارف طالبان گفته که این تصمیم





## سایه محرومیت، سرگیجه فرهنگی و بی هویتی به دنبال مهاجران

یونس نگاه

**عواملی را که تحلیل گران در شکل گیری این وضعیت دخیل دانسته اند، برای افغان ها آموزنده است و به نظر می رسد جمعیت بزرگی از هموطنان ما که در چند دهه اخیر به کشورهای غربی کوچیده اند و در این چند سال به تعدادشان به شدت افزوده شده، اگر از سرنوشت مهاجران خاور میانه و افریقا نیاموزند، گرفتاری های بسیاری برای نسل های بعدی خود به میراث خواهند گذاشت.**

تبعیض علیه این گروه از باشندگان شوند، از جمله دسترسی این جوامع را به فرصت های شغلی برابر مهیا کنند. از لحاظ فرهنگی این جوامع بین هویت تازه و هویت گذشته سرگردانند. مثلاً روابط خانوادگی سنتی و بی برنامه گی در زادوولد آنان با واقعیت کنونی زنده گی شان سازگار نیست و باعث مشکلات اجتماعی و اقتصادی فراوان می شود. آن طوری که در خبرها خوانده ایم، در اعتراض های اخیر فرانسه کودکان ۱۳ ساله و ۱۴ ساله، و نوجوانان جمعیت اصلی معترضان را می ساختند. عواملی را که تحلیل گران در شکل گیری این وضعیت دخیل دانسته اند، برای افغان ها آموزنده است و به نظر می رسد جمعیت بزرگی از هموطنان ما که در چند دهه اخیر به کشورهای غربی کوچیده اند و در این چند سال به تعدادشان به شدت افزوده شده، اگر از سرنوشت مهاجران خاور میانه و افریقا نیاموزند، گرفتاری های بسیاری برای نسل های بعدی خود به میراث خواهند گذاشت. بیکاری گسترده، مشکلات مسکن، تعلیم، صحت و حمل و نقل در مناطقی که این حاشیه نشینان به صورت کتله ای زنده گی می کنند، گزارش شده است. گفته می شود که والدین خانواده های حاشیه نشینان که اغلب کارگردن و درآمد پایین دارند، بیشتر از امکانات مالی خود فرزند می آورند، هنگامی که سر کار می روند فرزندان شان در جاده ها بدون حمایت و سرپرستی رها می شوند و در واقع به شیوه ای که خود در کشور زادگاه بار آمده اند به همان شیوه می خواهند کودکان شان را در محیط کاملاً متفاوت غربی تربیت کنند. تبعیضی که میان کودکان دختر و پسر در آن خانواده ها هنوز رایج است و «تقدیرگرایی و رواج ذهنیت هرچه خدا بخواهد» باعث می شود که کودکان مطابق شرایط کار و زنده گی در محیط تازه تربیت نشوند. بدون شک این مشکلات برای هموطنان ما در غرب نیز آشناست. بخش بزرگی از افغان های مقیم غرب، به خصوص آنانی که بعد از سال ۲۰۱۴ و در دو موج جدید به غرب پناه برده اند، با خطر ایجاد جوامع منزوی شبه وطنی در کشورهای غربی مواجه اند. البته کتله اصلی مهاجران ما را آنانی تشکیل می دهند که در کشورهای منطقه به سر می برند و با چالش های بسیار پیچیده تر از آنچه در کشورهای غربی با آن مواجه می شویم، روبه رو هستند. کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهنده گان (یواناچ سی آر) در گزارش سال ۲۰۲۲ خود اعلام کرده است که در آن سال ۹ میلیون و ۲۰۰ هزار افغان مهاجر و بی جا شده در سراسر جهان پراکنده بودند. از این میان ۳،۲۵ میلیون تن در داخل کشور

بی خانمان می زیستند، بیش از ۵ میلیون و ۶۶۶ هزار تن تحت پوشش این سازمان و نزدیک به ۳۰۰ هزار تن دیگر پناهجو در کشورهای مختلف زنده گی می کردند. اگر رقم کسانی را که بدون هیچ گونه رد پای قانونی کشور را ترک کرده و در کارخانه ها و مسیرهای قاچاق پراکنده شده اند، به این تعداد بیفزاییم، به احتمال زیاد تعداد بی جا شده گان، مهاجران و پناهجویان ما از ۱۰ میلیون تن نیز بیشتر است. این رقم احتمالاً ۲۵ تا ۳۰ درصد نفوس کشور را می سازد. در واقع، از هر چهار هموطن ما یک تن مهاجر و پناهنده است یا در داخل کشور مجبور به ترک خانه اش شده است.

### خطر بی هویتی

بخشی از این جمعیت بزرگ مشغول کار و فعالیت متمرند، کسانی مهارت دارند و ممکن در آینده به آسانی بتوانند در جوامع میزبان ادغام شوند و زنده گی موفقیت آمیز را سپری کنند. گروه بزرگی اما دچار سرگیجه فرهنگی، مشکلات اقتصادی و دودلی میان ماندن و برگشتن می باشند. این دسته دوم که متأسفانه اکثریت نیز هستند، با چالش های بسیار در آینده مواجه خواهند بود. بیشتر آنان در ایران و پاکستان زنده گی می کنند و در صورتی که شرایط مساعد شود، دوست دارند به کشور برگردند. اما تجربه چهل سال گذشته و به خصوص تجربه بیست سال دوره جمهوری اسلامی به ما می گوید که برگشت اینان به آسانی میسر نخواهد بود. چرا که از یک سو حاکمیت طالبان کشور را بر لبه بحران نگه داشته و معلوم نیست چه زمانی روند فرار هموطنان از کشور کند یا متوقف خواهد شد، و اگر روزی جنگ طالبان از گلوی وطن دور شود نمی توان به یقین گفت که چه قدر زمان لازم خواهد بود تا کشور ظرفیت و امکانات پذیرش میلیون ها هموطن مهاجر را به دست آورد. رشد سریع نفوس، روند نزولی تعلیم و تحصیل، بسته شدن تمام منافذی که زمینه رشد و توسعه اجتماعی و اقتصادی را فراهم می کنند، ریختن ده ها گروه تروریست و تبدیل کشور به پرورشگاه افراطیت همه حکایت از آن دارد که بحران مهاجرت برای مدت طولانی گریبان گیر ما خواهد بود. از این رو، اندیشیدن در مورد آینده این میلیون ها هموطن (نزدیک به یک چهارم نفوس کشور) به اندازه رسیده گی به معضلات و محرومیت های گوناگون باقی هموطنان در داخل افغانستان مهم است.

بر اساس گزارش یواناچ سی آر تعداد کسانی که در سراسر جهان مجبور به ترک خانه و وطن خود شده اند، امروز ۱۰۸،۴ میلیون تن است. ۵۲

درصد کل این بی خانومان ها از سه کشور سوریه، اوکراین و افغانستان هستند. ۷۶ درصد این مهاجران و بی جا شده گان در کشورهای کم درآمد مثل پاکستان و یا با درآمد متوسط مثل ترکیه زنده گی می کنند. زنده گی در این کشورها مشکلات اقتصادی، فرهنگی و تربیتی بسیاری را به همراه دارد. اکثر کودکان مهاجر در پاکستان و ایران به تعلیم دسترسی ندارند و بیشترشان مشغول کارهای شاقه اند. بی جا شده گان داخلی نیز وضعیت بهتر از اینان ندارند. در صورت تداوم این بحران، احتمال دارد نسل های آینده این مهاجران در منطقه به جمعیت بزرگ بی هویت چون کولی ها بدل شوند که نه در کشور میزبان مقام شهروندی دارند و نه حتا در صورت بهبود وضعیت و به ثبات رسیدن افغانستان، برگشت به کشور برای شان به صرفه و ممکن خواهد بود. آنان از نظر فرهنگی و عاطفی در جوامع میزبان مدغم می شوند؛ اما از نظر اقتصادی و سیاسی معلق می مانند. نسل های آینده آنان احتمالاً به آسانی نمی توانند مثل پدران و مادران شان با افغانستان رابطه عاطفی برقرار کنند و برگردند. این چالش ها اهمیت تلاش جمعی ما را برای نجات کشور برجسته می سازد. کشیدن اداره کشور از دست نیروهای عقب گرا و تروریست، برای همه ما از جمله میلیون ها مهاجری که با خطر بی سرنوشتی مداوم روبه رو هستند، ماموریت حیاتی است.

طوری که در شروع این نوشته گفتیم، آینده مهاجران و پناهنده گان در کشورهای پردرآمد غربی نیز با چالش های بسیار مواجه است. با این حال، آنان فرصت های چشم گیر نیز پیش رو دارند و اگر با موفقیت در جوامع میزبان ادغام شوند و از تجارب نسل های پیشین مهاجران و نیز مهاجران خاور میانه و افریقا بیاموزند، می توانند به یکی از محورهای ثبات و ترقی در داخل افغانستان مبدل شوند. چرا که وجود کتله های بزرگی از هموطنان موفق، صاحب مهارت، درآمد و جایگاه سیاسی و فرهنگی برجسته در سراسر جهان که روابط فعال با ساکنان داخل کشور داشته باشند، سرمایه بزرگی خواهد بود. مهاجران هند و پاکستان، و نیز مهاجران چین و برخی از کشورهای دیگر می توانند برای مهاجران افغان الگو باشند. آنان در انتقال دانش و سرمایه، و نیز کمک به تحولات فرهنگی در کشورهای مادری شان سهم برجسته داشته اند. در کشورهای دوم شان نیز از شهرت نسبتاً خوب برخوردارند، و گاه در رقابت ها پیشگام می شوند.

### مسئولیت دوگانه

اما به نظر می رسد موفقیت مهاجران با وضعیت سیاسی و اقتصادی کشورهای مادر رابطه مستقیم دارد. عقب مانده گی چون ویروس می تواند از سرزمین اصلی به بخشی از جمعیت هموطنانی که در گوشه و کنار جهان مهاجرند یا صاحب وطن دوم شده اند، سرایت کند. احتمالاً موفقیت هندی ها، کوریایی ها، جاپانی ها و چینی هایی که در غرب زنده گی می کنند متأثر از پیشرفت کشورهای شان است. مسیری را که کشور می پیماید و الگوهای فرهنگی و سیاسی و اقتصادی که در داخل وطن حاکم است، بر تربیت فرزندان خانواده هایی که در کشورهای دیگر پناه گرفته و یا آن جا صاحب تذکره و پاسپورت شده اما ادغام نشده اند، اثر می گذارد و آنان را سمت و سو می دهد. به راستی اگر در کابل نیروی ضد تعلیم و ضد زن حاکم نباشد، آیا از میان هموطنان مقیم غرب مبلغان طالبانیسم برخاورد خاست؟ اگر سوریه میدان داعش نمی شد، آیا از شهرهای انگلستان و فرانسه، فرزندان خانواده هایی که چند نسل قبل به غرب کوچیده بودند، برای جهاد به آن کشور می رفتند؟

نخبه گان فرهنگی، سیاسی و اقتصادی مقیم خارج مسئولیت دوگانه دارند. از یک سو باید برای ادغام موفقانه پناهنده گان در جوامع میزبان و یا حداقل کاهش رنج های این روند تدبیر بستنند و کار کنند، و از سوی دیگر، برای کمک به تحولات مثبت در داخل کشور همکاری کنند.



## یک روز در ریاست پاسپورت؛

# از ستیز با هویت تا شلاق زدن مردم

حلیمه ملک



کرده بودیم، جمع بود؛ نمی‌دانستیم که نگاه‌های آن‌ها چه دلیلی داشت. اما نگاه آن‌ها سبب ترس و وحشت ما می‌شد.

بعد از انتظار زیاد، رفتیم نزدیک شخصی که من حیث محافظ در درب دخولی ایستاد بود. از او پرسیدم که چه زمانی کار آغاز خواهد شد. با سخنان تند و زشت به زبان پشتو چیزهایی گفت که ما درست منظورش را درک نکردیم، اما از حساسیت و رویه خشنش هویدا بود که در صدد پس زدن ماست. در جمع، بعضی افراد از ردیف دورتر می‌ایستادند، بعد آن محافظ به جای این که آن‌ها را در جای‌شان تنظیم کند، افراد دیگری که تکان نخورده بودند را محکم می‌راند و در ردیف آن‌ها قرار می‌داد.

طبق معمول و مطابق رسمیات در افغانستان باید تا ساعت ۸:۰۰ همه کارمندان حاضر باشند و ارایه خدمات صورت گیرد، اما از ساعت ۸:۰۰ چیزی کم چهل دقیقه نیز گذشته بود، ولی هنوز از آمدن کارمندان و رسیده‌گی به آن عده کسانی که از ناوقت‌های شب در صف طولانی‌ای انتظار می‌کشیدند، خبری نبود. وقتی به جمع بی‌شمار مردم نگاه کردم، به این نتیجه رسیدم که نمی‌توانیم فرصت وارد شدن را بباییم. آن زمان یکی از میان آن جمع طالبان صدا زد. با شنیدن آن صدا، من و خواهرم از جای‌مان بلند شدیم. پاسپورت‌های ما را گرفتند. زمانی که دانستند ما از پنجشیر هستیم، رفتارشان زشت‌تر از قبل در برابر ما دختران شد. از ما پرسیدند که از کدام قسمت پنجشیر هستید. در حالی که طالب دیگر داد می‌زد که حرف نزنید، من هم جوابی ندادم.

حوالی ساعت ۱۰:۳۰ بود که بعد از انتظار طولانی در هوای گرم با نبود آب، یکی از افراد طالبان پیش ما آمد و گفت: «بهرتر است داخل نروید و زحمت نکشید، کارتان نمی‌شود.» چرای‌اش را گویا می‌دانستیم، از همان لحظه‌ای که پاسپورت ما را دیدند. باز روشن به ما گفتند که به دلیل پنجشیری

نه ماه از تسلط طالبان گذشته بود. در نخستین روز هفته، صبح وقت بعد آذان نماز، بنا بر اشتباه تایپی که در پاسپورت خانواده‌گی ما اتفاق افتاده بود، روانه ریاست پاسپورت شدیم. در این مسیر من تنها نیستم، خواهرم که از من دو سال کوچک است را نیز با خود دارم. پیش از طلوع آفتاب، به اداره پاسپورت نزدیک شدیم. ترس تمام بدن ما را فرا گرفته بود. باید ما زن‌ها، تنها وارد ریاست می‌شدیم. در نزدیک درب ورودی آن ریاست، باید از موتر حامل خود پیاده می‌شدیم و از ایست بازرسی عبور می‌کردیم تا به محوطه ریاست داخل شویم. چهره‌های وحشت‌ناک و ترسناک در درب دخولی آن ریاست به چشم می‌خوردند، چهره‌هایی که ترس و خشم آدم را به جوش می‌آورد. چهره‌های وحشت‌ناک آن‌ها سبب شده بود که پاسپورت‌های‌مان را در داخل موتر فراموش کنیم. وقتی وارد کوچه شدیم، روانه به سوی صف شدیم. در همان حال یک طالب با زنجیری که به دست داشت، طرف ما دوید و با صدای خشن صدا زد: «کجا روان هستید؟ باید پاسپورت‌تان در دست‌تان باشد، بعد حق ورود دارید.»

در کوچه‌های منتهی به ریاست پاسپورت، دسته‌دسته مردم منتظر بودند؛ این افراد از شب انتظار می‌کشیدند. من که با خود فکر می‌کردم در ردیف اول خواهم قرار خواهم داشت، در آخر صف با خواهرم ایستادم. مردم در جنب‌وجوش و تقلا برای حل شدن کارشان بودند و افرادی با لباس نظامی از مردم می‌خواستند که آرام باشند. من و خواهرم با سه تن دیگر کنار دیواری ایستاد بودیم و مانند دیگران انتظار می‌کشیدیم تا ساعت ۸:۰۰ شود و طی مراحل پاسپورت آغاز باید. در همان حال چند تن از طالبان که نظامی‌پوش بودند، روبه‌روی ما نشستند. چنان به من و خواهرم چشم انداخته می‌دیدند که گویا موجودات فضایی را تماشا دارند. با خود چیزی می‌گفتند و با انگشت به ما دو خواهر اشاره می‌کردند. دل ما از این که حجاب را مراعات

که در غرفه بود، گفتیم که اسم فامیلی ما اشتباه شده است. پاسپورت ما را جست‌وجو کرد و گفت: «برو در بیرون امضا کن، بعد بیا من اشتباه را می‌گیرم.» پرسیدم: «کدام قسمت؟» چیزی نگفت و با همکاری‌اش مصروف شد. از هر که می‌پرسیدم ورق‌ها را کجا امضا می‌کنند، کسی نمی‌دانست. بسیاری از من می‌پرسیدند که ورق‌ها را کجا امضا می‌کنند. از محافظانی که در درب آن ریاست هستند، پرسیدم که کجا باید برویم. کوچه‌ای را نشان دادند در بیرون محوطه ریاست. یکی هم گفت: «تلاش کن بیرون نروی که دوباره داخل شدن به محوطه ریاست ناممکن است.» در میان این‌همه سرگردانی، هیچ‌کسی معلومات نمی‌داد.

سرگردان و خسته یک گوشه نشسته بودیم که یک طالب یک‌باره آمد و زنان را یکی‌یکی با لوله و میله تفنگ می‌زد. یکی از زنان که کودکی خردسال داشت، بچه‌اش را در بغلش پنهان کرده بود تا به او آسیبی نرسد. از ما دورتر هم یک طالب دیگر مردم را دشتام داده، با میله تفنگ لت‌وکوب می‌کرد. زنانی که شلاق خورده بودند، کنار دیوار خود را از درد پیچ‌وتاب می‌دادند. در آن وضع هم تا بعد از چاشت منتظر ماندیم و از هر کسی معلومات و راه و چاره می‌خواستیم، یا نمی‌دانست و یا نمی‌خواست رهنمایی کند. صدها تن مثل ما در صف از شب منتظر نشسته بودند، اما آب از آب تکان نمی‌خورد. هم این عذاب می‌داد که «پنجشیری» گفته کار ما را حل نکردند و هم خورای و بیچارگی مردم که زیر شلاق طالب از درد، بی‌صدا پیچ‌وتاب می‌خوردند.

بودن‌تان. ناامید و مستاصل مانده بودیم چه کار کنیم. با برادرم به تماس شدیم و چون او با کارمندان سابق ریاست شناخت داشت، به کسی زنگ زد. او آمد و ما را صدا زد که برویم داخل؛ البته در مسیر راه مدام به ما می‌گفت که «برویم شانس‌تان را آزمایش کنید، شاید شود.»

با جنجال زیاد خود را جلو دروازه اتاکی که اشتباهات پاسپورت را اصلاح می‌کرد، رساندیم. در آن جا، زمانی که پاسپورت ما را دید و فهمید ما از پنجشیر هستیم، کارمند چند لحظه سکوت کرد و به کارمند دیگر نظری انداخت و خطاب به ما گفت: «خود را ناحق زحمت ندهید، مشکل شما حل‌شدنی نیست.» خوب می‌دانستیم که می‌توانند مشکل ما را حل کنند، اما نکردند. اصرار و پافشاری جایی را نمی‌گرفت، مجبور ناامید ریاست را ترک کردیم. ساعت ۱۲:۰۰ چاشت بود، فشار گرسنه‌گی و گرمی بیش از حد از توان و تحمل مردم کاسته بود. کم‌کم حوصله همه داشت سر می‌رفت. یک تعداد از افراد در آن صف طولانی دیگری که در داخل محوطه ریاست ایجاد شده بود، دروازه آهنین دفتر ریاست عمومی را با مشت می‌کوبیدند. ضعف و خسته‌گی در چهره زن‌هایی که کودکان‌شان را در آغوش داشتند، نمایان بود. همه دم‌به‌دم جای خود را از فرط گرمی، گرسنه‌گی و خسته‌گی تبدیل می‌کردند.

من و خواهرم از صف خارج شدیم و رفته نزدیک غرفه‌ای که روبه‌روی دروازه عمومی ریاست پاسپورت قرار داشت. پرسید: «مشکل شما دو تا چیست؟» با این که می‌دانستیم تا پاسپورت‌های ما را ببیند، جواب رد می‌شنویم، باز هم تقلا داشتیم. به مردی

## دختران بازمانده از مکتب؛ کودکی در آغوش کودکی

عایشه خراسانی



که چه بگویم و بعد مادرم قضیه را گفت. «مینا وقتی می‌شنود، می‌بیند که در برابر عمل انجام‌شده قرار گرفته است. پدرش خیلی وقت‌های پیش «بلی» را به خسرش گفته و مادرش هم از این پیوند خبر داشته است. هر دو فکر می‌کردند که مینا جوان شده و آن قدر دختر حرف‌گوش کن، باادب و بی‌آزار است که کله‌شقی نکند و روی حرف پدرش حرفی نزند. به‌راستی مینا دختری کله‌شق نبوده و از ترس این که پیشانی پدر گره بخورد، ابروداری پدرش را می‌کند و به «بلی» اش اعتراضی نمی‌کند.

با این که پدر مینا فکر می‌کرده دخترش جوان شده است، اما باز هم به صلاحش می‌دیده که وقتی جوان‌تر شد، ازدواج کند. مینا آهسته و با اندک کم‌رویی می‌گوید که مادرش مدام برایش می‌گفته «زمانه خراب شده، بچه بی‌بندوبار هم زیاد است و تو هم یک میده‌دختر. نامزدت کردیم که دل جمع باشیم.» در آغاز نامزدی پدرش شرطی می‌گذارد. به پدر داماد می‌گوید که باید دخترش مینا بزرگ شود و حداقل مکتب را تمام کند، بعد برنامه ازدواج را روی دست بگیرند. مینا هم به این شرط دلش را خوش می‌کند، تا این که روزی می‌رسد که دل جمعی‌هایش دود شده به هوا می‌رود و جای دل‌خوشی‌هایش را سیاه‌های رنج می‌گیرد.

ادامه در صفحه ۷

پی برد. مینا بی‌صدا در یک گوشه خود را پنهان کرده و به کودکش شیر می‌دهد. اگر می‌شد از آن دو عکس بگیرم، قاب حزن‌آلودی می‌افتاد؛ کودکی در حال شیردادن به کودکش.

مینا را در نوجوانی نامزد می‌کنند. او بریده‌بریده قصه می‌کند. روزی را که نامزد شده، فراموش نکرده است. آخر چه کسی چنین روزی را فراموش می‌کند؟ خصوصاً اگر دختری سیل‌بین ریختن زنده‌گی خود از دست‌انش باشد. مینا ساده و سراسرت می‌گوید: «خران بود، آن قدر خزان بود که همه چیز خشک‌ش زده بود. بسیار کم باران می‌بارید. مادرم اجازه رفتن به مکتب را همان روز برایم نداد و گفت قرار است صاحب پیدا کنم. من حیران ماندم

که دست و رویش پر از خال کوبی است. چادر گلابی‌رنگ خال‌دارش را سر کودکش گرفته و در حال شیردادن به او است. انگار هیچ تعلقی به این جمع ندارد. تا سن‌وسالش را می‌پرسم، رخش را به سوی خشویش می‌چرخاند. خشویش می‌گوید: «مینا هنوز روی لچ به مکتب می‌رفت. سیزده‌ساله نشده بود که نامزدش کردیم. حال چهارسال از او زمان می‌گذرد و حال صاحب یک بچه کاکه است.» در جمعی که همه خانواده شوهر مینا حضور دارند، پرسش از چگونه‌گی زنده‌گی و از این که آیا راضی است یا نه، کار آسانی نیست و پاسخی هم به‌ساده‌گی دست‌گیر نمی‌شود؛ اما از لابه‌لای حرف‌های مینا و نگاه‌هایش می‌توان به چیزهایی

تکه‌های نور آفتاب از لای شاخچه‌های درختان روی لباس‌های مهره‌دار زنان می‌افتد. مهره‌ها، هر کدام نور آفتاب را با رنگ‌های روشن منعکس می‌سازد: لاجوردی، گلابی، لیمویی... گویا آفتاب روی شیشه آبی پاره‌پاره شده است. پنج زن در یک حلقه-مثل این که به دور دستخوانی نشسته باشند، حلقه زده‌اند. بی‌وقفه حرف می‌زنند و یک لحظه فرصت بلند شدن صدای گنجشک‌ها را نمی‌دهند. لباس‌های بخملی کمرچین و دامن‌دار به تن دارند و چادرهای بردار را به سر و شانه اندخته‌اند. انگار گرمی به بدن‌شان نمی‌نشیند. زنی که پیکی‌های موج‌دارش سایبان چشمانش شده، بالاتر از همه نشسته است. پشت دست‌ها، پیشانی و زنجش خال‌کوبی شده است. سمت راستش زن ایورش نشسته است؛ زنی میان‌سال و سرزنده. دست‌هایش سرخ و حنایی است و چوری‌های شیشه‌ای با نقش‌های متفاوت بند دست‌انش را محکم گرفته است. کمی بیرون‌تر از حلقه زنان کهن‌سال و میان‌سال، عروسی خردسال نشسته است که کودک شیرخوار به بغل دارد و سنش کوچک‌تر از آن چه جلوه می‌کند، به نظر می‌رسد.

مینا (نام مستعار) عروس زن کهن‌سالی است



ترکم‌نستان با افغانستان ۷۴۴ کیلومتر مرز مشترک دارد. این کشور پس از پاکستان دومین همسایه افغانستان است که در تامین رابطه با طالبان شور و شعف زیاد نشان داده است. از آن‌جایی که این کشور در بازی‌های بزرگ منطقه‌ای و جهانی نقش زیادی ندارد، رابطه گرم آن با طالبان چندان سروصدا نمی‌آفریند. زمانی که دولت پیشین سقوط نکرده بود، رفت‌وآمد میان طالبان و ترکمنستان برقرار بود. در ۵ فبروری ۲۰۲۱ ترکمنستان میزبان هیاتی از طالبان به ریاست ملاعبدالغنی برادر، معاون فعلی نخست‌وزیر این گروه، بود. همین‌طور در ۱۲ جولای ۲۰۲۱ عشق‌آباد بار دیگر میزبان هیاتی از طالبان به ریاست شیرمحمد عباس استانکزی، معین سیاسی فعلی وزارت خارجه طالبان، بود. عشق‌آباد در حالی از مقام‌های طالبان پذیرایی گرم می‌کرد که در افغانستان دولت مشروع وجود داشت. هیاتی از مقام‌های ترکمنستان به ریاست معاون وزارت خارجه این کشور در ۴ نوامبر ۲۰۲۰ در قطر با نماینده‌گان طالبان دیدار و گفت‌وگو کرد. ترکمنستان به میزبانی از گفت‌وگوهای صلح میان دولت پیشین و طالبان علاقه داشت. قربان‌قلی بردی محمدف، دومین رییس جمهور این کشور، در سخنرانی‌اش در هفتادوپنجمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد از آماده‌گی کشورش در زمینه خیر داده بود.

پس از سقوط دولت پیشین، ترکمنستان شاید اولین کشوری بود که نماینده‌گان آن با مقام‌های طالبان دیدار و از برگشت آن‌ها به‌نحوی استقبال کرد. در ۱۷ اگست ۲۰۲۱ سرقونسل ترکمنستان در بلخ با قدرت‌الله حمزه، والی طالبان، دیدار کرد. دو روز پس از این دیدار، سرقونسل ترکمنستان در هرات با نماینده‌گان طالبان در این ولایت دیدار و گفت‌وگو کرد. در ۳۰اکتوبر ۲۰۲۱ رشید مردوف، وزیر خارجه ترکمنستان، در راس هیاتی وارد کابل شد و با مقام‌های رده اول طالبان دیدار کرد. همین‌طور امیرخان متقی، سرپرست وزارت خارجه طالبان، در ۱۴ جنوری ۲۰۲۲ به عشق‌آباد سفر کرد. سفارت ترکمنستان



شجاع‌الدین امینی

# ماجرای میل عشق آباد به طالبان

پیمان امنیت جمعی به رهبری روسیه می‌باشد. بقیه جمهوری‌های آسیای مرکزی عضویت این پیمان را دارند، اما ترکمنستان نه. البته اوزبیکستان پس از یک بار ورود به این پیمان، از آن خارج شد. اصل فوق پرهیز از ورود به جنگ و پیمان‌های نظامی - امنیتی را توصیه می‌کند؛ اما انتخاب نقش منفعل و دوری‌گزیدن از بازی‌های منطقه‌ای و جهانی را نه.

ترکمنستان با تاسی از اصل فوق به تعامل با طالبان رضایت داده است. این اصل ترکمنستان را در مواجهه با طالبان به عمل‌گرایی در سیاست خارجی سوق داده و ظاهراً کوشیده است تا از مداخله در امور داخلی افغانستان بپرهیزد؛ چیزی که طالبان از جهان می‌خواهند. تعامل با قدرت مستقر در کابل فارغ از آن که چه شکل و ماهیتی داشته باشد، برای عشق‌آباد مساله است. ورئه کشوری که میراث‌بر کمونیسم شوروی باشد با طالبانی به‌شدت دین‌گرا دشوار است که آشتی برقرار کند. رابطه ترکمنستان با طالبان بین سال‌های ۱۹۹۶-

۲۰۰۱ نیز گرم بود.

#### ۲- تجارت و اقتصاد

عامل دومی که عشق‌آباد را به تامین رابطه با طالبان ترغیب می‌کند، اقتصاد است. در میان جمهوری‌های آسیای میانه ترکمنستان و اوزبیکستان نسبت به بقیه در حوزه اقتصاد و تجارت فعال‌تر به نظر می‌خورند. این کشور پروژه‌های بزرگی را در افغانستان روی دست گرفته است و تکمیل کار این پروژه‌ها ایجاب می‌کند تا با قدرت مستقر در کابل به‌نحوی کنار بیاید.

یکی از این پروژه‌ها تاپی (TAPI) است. این پروژه چهار کشور را به هم وصل می‌کند: ترکمنستان، افغانستان، پاکستان و هند. افغانستان در این میان نقش پل ارتباطی را بازی می‌کند که غیبت آن، پروژه را به ناکامی می‌کشاند. این پروژه گاز ترکمنستان را از منطقه دولت‌آباد این کشور از مسیر هرات، فراه، هلمند و قندهار به کوپته پاکستان و از آن طریق به فاضلاک هندوستان انتقال می‌دهد. ایده این پروژه در دهه ۱۹۹۰ مطرح شد. ترکمنستان به‌خاطر تکمیل این پروژه با طالبان راه تعامل را اختیار کرد، ولی پیش‌رفتی در کار آن رخ نداد. در آن زمان دو شرکت بین‌المللی مشهور به‌نام‌های یونیکال و بریداس که اولی امریکایی و دومی آرژانتینی بودند به‌دنبال انحصار قرارداد

# تنش مرزی میان ترکمنستان و افغانستان

فداحسین حسینی

اختلافات و تنش‌های مرزی یکی از عوامل عمده و پایدار درگیری و برخورد در آسیای مرکزی بوده که ثبات و امنیت منطقه را متزلزل کرده است. تنش‌های مرزی در میان این کشورها پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ ایجاد شده و تا کنون باقی مانده است. در بیش از سی سال گذشته درگیری‌های مرزی تلفات انسانی به بار آورده و روابط کشورهای این منطقه را به‌شدت متأثر کرده است. علاوه بر ناسازگاری‌های درون‌منطقه‌ای که ناشی از جغرافیای آسیای مرکزی می‌باشد، همسایه‌گی این منطقه با افغانستان به‌عنوان کشور چالش‌زا و بحران‌آفرین که دارای ظرفیت بالای تولید تنش با همسایه‌گانش است، به چالش‌های منطقه افزوده است.

ترکمنستان و افغانستان حدود ۸۰۰ کیلومتر مرز مشترک دارند، که بخش بزرگی از مرز دو کشور روی بیابان، رودخانه و کوه‌ها قرار دارد. از بدو پیدایش کشور ترکمنستان، هراس رهبران این کشور از همسایه‌گی با افغانستان روی مساله تروریسم و کنترل چالش‌های مرزی است. همجواری دو کشور باعث نگرانی رهبران ترکمن بوده، چون افغانستان همواره در دهه‌های اخیر بی‌ثباتی و نبود حاکمیت کامل سرزمینی را تجربه کرده است. در

واقع، هراس از آن جا نشات می‌گیرد که بی‌ثباتی و ناامنی به هیچ وجه در درون کشورها باقی نخواهد ماند و همواره امکان سرریزی و سرایت آن از کشور بی‌ثبات به کشورهای منطقه در قدم نخست و در گام بعدی حتا به سطوح بین‌المللی و جهانی وجود دارد. آنچه روشن است این که بحران افغانستان نه تنها دامن‌گیر مردم این کشور بلکه دامن‌گیر تمام منطقه است. بی‌ثباتی، مواد مخدر، قاچاق انسان، تروریسم و رادیکالیسم دینی، تنها چند مورد از موارد بی‌شماری است که دامن‌گیر کشورهای همسایه افغانستان و آسیای مرکزی می‌باشد.

هرچند ترکمنستان در امتداد مرزهایش با تهدید حیاتی جدی‌ای از جانب گروه‌های تروریستی مواجه نبوده، اما روی کار آمدن دوباره طالبان در نزدیک به دو سال گذشته، به نگرانی کشورهای آسیای مرکزی به‌ویژه ترکمنستان به دو دلیل افزوده است:

**الف: ناتوانی گروه طالبان در برپایی و گسترش حاکمیت سرزمینی، و سامان‌دهی به امور امنیتی**
طالبان در مدت نزدیک به دو سال گذشته به‌گونه جدی علیه شاخه خراسان داعش، القاعده و گروه‌های

این پروژه بودند که بنابر عواملی از جمله ناامنی و رقابت قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای به ناکامی کشیده شد. پس از سقوط طالبان و روی کار آمدن دولت جدید، تلاش برای آغاز کار این پروژه از سر گرفته شد. توافق‌نامه برای احداث این پروژه در سال ۲۰۱۰ میان چهار کشور به امضا رسید. آغاز کار این پروژه در سال ۲۰۱۶ در هرات افتتاح شد و قرار بود تا سال ۲۰۱۹ تکمیل شود. هزینه مجموعی آن نزدیک به ۹ میلیارد دالر برآورد شده است. تکمیل این پروژه برای افغانستان مزیت‌های فراوانی دارد. گفته می‌شود که افغانستان در کنار آن که سالانه ۴۰۰ میلیون دالر حق ترانزیت به دست می‌آورد، ۵۰۰ میلیون مترمکعب گاز نیز عاید می‌کند. ایجاد فرصت‌های شغلی

از دیگر مزیت‌های آن است.

طالبان تلاش دارند کار تکمیل این پروژه را آغاز کنند. به این منظور با مقام‌های عشق‌آباد بارها دیدار و گفت‌وگو داشته‌اند که مهم‌ترین آن سفر هیاتی از این گروه به ریاست وحیدالله حلیمی، معین مسلکی وزارت معادن طالبان، در ۱۰ اکتوبر سال گذشته به ترکمنستان بود. ناامنی، فقدان حکومت مشروع در افغانستان و محدودیت منابع مالی از موانع فراره تکمیل کار این پروژه برشمرده می‌شود. برای نمونه، بانک توسعه آسیایی که از حامیان مالی این پروژه بود، پس از برگشت طالبان به قدرت همکاری‌اش را در زمینه متوقف کرد؛ چون که اداره طالبان از سوی هیچ کشوری به‌رسمیت شناخته نشده است.

پروژه دیگری که ترکمنستان در افغانستان روی دست گرفته، تاپ (TAP) است. این پروژه برق ترکمنستان را از مسیر تورغندی - هرات، چمن - قندهار به کوپته پاکستان انتقال می‌دهد. هزینه مجموعی آن بیش از ۱ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دالر برآورد شده است. توافق‌نامه اجرایی‌سازی این پروژه میان سه کشور در دسامبر سال ۲۰۱۵ در عشق‌آباد به امضا رسید. یک شرکت ترکی به‌نام چارلک هولدننگ برای تکمیل کار این پروژه آماده شده بود، ولی مانند سایر پروژه‌های دیگر کار آن متوقف مانده است. گفته می‌شود افغانستان از این ناحیه سود فراوانی می‌برد. ضمن برخورداری از انرژی برق و ایجاد فرصت‌های شغلی، سالانه مبلغ ۱۰۰ میلیون دالر حق ترانزیت دریافت می‌کند. طالبان و ترکمنستان تمایل به آغاز کار این پروژه دارند، اما بنابر عواملی هنوز آغاز نشده است. هیاتی از ترکمنستان در ۲۵ جنوری ۲۰۲۲ به کابل آمد و با مقام‌های طالبان دیدار داشت که چه‌گونه‌گی آغاز کار این پروژه یکی از محورهای گفت‌وگوی دو طرف بود. همچنان در ۲۴ جون سال روان، طالبان طرح انتقال گاز و مواد نفتی ترکمنستان را از مسیر افغانستان به پاکستان به تصویب رساندند که در بدل آن به این گروه حق ترانزیت پرداخت می‌شود.

نکته مهم در خصوص پروژه‌های فوق تامین منافع پاکستان است. ازاین‌رو، نقش اسلام‌آباد را در تعامل گرم عشق‌آباد با طالبان نمی‌توان نادیده انگاشت. میزبانی عشق‌آباد از مقام‌های طالبان قبل از نیمه اگست ۲۰۲۱ را می‌توان نتیجه تلاش اسلام‌آباد برای کسب رضایت این گروه مبنی بر پیش‌برد کار پروژه‌های یادشده دانست.

گسترش دهد. سال گذشته از تبادل آتش و درگیری میان نیروهای طالبان و مرزبانان ترکمن گزارش شد؛ اما طالبان آن را تایید نکردند. این رویداد نشان داد که امنیت در امتداد مرز ترکمنستان و افغانستان شکننده است.

از موارد دیگری که امکان تنش را افزایش می‌دهد، قرار گرفتن مرز دو کشور روی دریای آمو است. از نظر ژئوپلیتیسین‌ها، مرزهای آبی از بی‌ثبات‌ترین و ناپایدارترین گونه مرزها شناخته می‌شوند. از نظر آنان، با افزایش بارنده‌گی که سطح آب بالا می‌رود، امکان تغییر مسیر آب وجود دارد که در این صورت، تعیین مرزها دشوار می‌شود و کشورهای بالادست با استفاده از این فرصت می‌توانند به تغییر حدود مرزها بپردازند که به اختلافات دامن خواهد زد.

هرچند ترکمنستان نخستین کشور از میان کشورهای آسیای مرکزی است که نماینده‌گی دیپلماتیک طالبان را در عشق‌آباد پذیرفت، اما دیری نپایید که نیروهای طالبان با مرزبانان آن کشور درگیر شدند. این رویداد نشان داد که مسایل اختلافی و تنش‌زا که امکان برهم‌زدن روابط دو کشور را بالا می‌برد، همچنان وجود دارد. از سوی دیگر، جدیت تهدید گروه‌های رادیکال موجود در خاک افغانستان به‌خصوص شاخه خراسان داعش، کشورهای منطقه از جمله ترکمنستان را نگران کرده است که این امر نیز می‌تواند سبب تنش در روابط دو طرف شود.



## دختران بازمانده...



چند ماه از بسته شدن مکاتب گذشته که گپ و گفت درباره ازدواج مینا تور می خورد. خانواده خسر مینا به قصد اقدام به ازدواج به خانه اش می آید. بهانه های آن ها به نظر موجه می آید. مینا می گوید: «این ها می گفتند که مکتب رفت و خلاص شد. همان قدر خوانده که خط قرآن را بفهمد، بسش است. وقتی پدرم می گفت ما شرط مانده بودیم و مینا هنوز کلان نشده، این ها می گفتند که خیر است، دختر تو دختر ما هم است، هر دو جا خانه اش است.» خلاصه با همین حرف ها دل پدر مینا را نرم می کنند و رضایتش را می گیرند. مینا اما، این بار خاموش نمی نشیند تا ریختن زنده گی اش را نظاره کند. می رود با مادرش صحبت می کند. مادرش می گوید «برو به پیش پدرت، من صلاحیتی ندارم.» به خودش بسیار جرئت می دهد تا پیش پدر برود. مینا از آن روزها چنین یاد می کند: «من می ترسیدم. بچه را ندیده بودم. فکر می کردم وقتی کلان تر شدم، باز می بینمش و هیچ فکری از ازدواج هم به سرم نبود. کل غمم درس هایم بود. من از یک طرف جگر خون به خاطر بسته شدن مکتب ها بودم و از طرفی گپ ازدواج مره تکان داد. به پدرم گفتم که می خواهم درس بخوانم، حداقل تا شانزده ساله گی ام مرا به شهر ندهید.» گریه و زاری مینا جایی را نمی گیرد. پدرش رضای شده است و زاری مینا و شوق او برای درس خواندن سبب پس گرفتن تصمیم پدرش نمی شود. مقدمات ازدواج چیده می شود و یک مدت بعد مینا خودش را در کنار مردی می بیند که تا پیش از ازدواج چهره اش را هم ندیده بود.

مکتب رفتن تنها بهانه ای بود که مینا با آن می توانست روز ازدواجش را به عقب بیندازد. می خواست درس بخواند و تنها خواستش این بود که «مکتب تمام شود و حداقل شانزده ساله شوم، باز زن کسی شوم.» او در چنان چاله ای افتاده بود که کل خواسته اش طلب زمان بیشتر بود؛ حتی کم و ناچیز. مینای هفده ساله با صدایی که از آن حسرت می بارد، زمزمه وار می گوید: «بعد از تولد پسر، هر وقت پدرم یادم می آید، با این که دوستش دارم، اما نمی بخشمش. نباید این کار را در حقم می کرد. خیر است که مکتب ها بند شده، حداقل در خانه بودم، شاید یک کار دیگر می کردم. آخر که شوی بود، من هم آن قدر دختر بدی نبودم که سبب آبروریزی اش شوم.»

او از مکتب بازمانده بود؛ مکتب نرفتنش دلیل نمی شد که خانه شوهر برود. گله ای را که مینا از پدرش می کند، صدای خفته هزاران دختری است که در سینه شان سنگ شده است. طالبان مثل پشه همه جا هجوم آوردند، مکتب ها را به روی دختران بستند؛ تنها امکانی که دختران جامعه ما می توانستند از آن طریق به خودسازی و خودشکوفایی برسند. حال اما آرزوهای دختران به شاخ درخت بند مانده و زنده گی از دست شان ریخته است. مینا با پسری در بغلش یک فرم غمگین از سرنوشت هزاران دختری است که در مکتب به روی شان بند شده و خانه پدر دیگر جای شان نمی دهد.

## از کشمیر تا نوار غزه؛

## سلاح های امریکایی چه گونه به دست شورشیان رسیده است؟



علی سجاد مولایی

## سلاح های برج مانده از ایالات متحده کدامها اند؟

در کنار تانک های زرهی و وسایل نقلیه سبک و سنگین، هواپیماها و هلیکوپترها، سلاح هایی چون ام چهار (M4)، ام شانزده (M16)، سلاح ماشین دار/ مسلسل ام ۲۴۹ (Machine Gun M249)، تک تیرانداز/ اسنایپر ام ۲۴ (M24) و ای امدی ۶۵ (65 AMD) از نیروهای امریکایی و ارتش افغانستان برجا مانده است. ام چهار از مهم ترین سلاح های امریکایی است. این سلاح از کاربن ساخته شده و نسبت به همتای روسی اش ای کی ۴۷ یا همان کلاشنیکوف سبک تر، دقیق تر و بادوام تر است. ام چهار قابلیت های گوناگونی دارد و می شود با نصب دوربین این سلاح را به اسنایپر یا یک سلاح تک تیرانداز برای فواصل کوتاه بدل کرد.



سلاح ام چهار همراه با دوربین در دست نیروهای ویژه ایالات متحده. منبع عکس: میلتری

این سلاح ۲٫۸ کیلوگرم وزن دارد و حمل آن بسیار آسان است. ام چهار در افغانستان تنها در دست قطعات خاص ارتش و سربازان امریکایی بود. حالا این سلاح در بازارهای سیاه اسلحه در نوار مرزی افغانستان و پاکستان خرید و فروش می شود. براساس پژوهش موسسه دیده بان صلح افغانستان، قیمت یک ام چهار امریکایی در بازار تا ۲۵۰۰ دالر امریکایی می رسد. در حین حال بازار دوربین ها و عینک های دید در شب و حرارتی نیز گرم است و قیمت این وسایل نظامی بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ دالر برآورد شده است.

سلاح دیگری که به دست شورشیان رسیده است، تک تیرانداز یا اسنایپر ام ۲۴ است. در حمله ای که بر سفارت پاکستان در کابل شد، نیروهای داعش از

ساختمان مقابل به داخل محوطه سفارت پاکستان تیراندازی کردند. تصاویر نشر شده در وبسایت (اعماق) منسوب به داعش نشان می دهد که مهاجمان از سلاح تک تیرانداز Sniper Lancer MY4 28 Tactical استفاده کرده اند. این نوع سلاح قبلاً در اختیار ارتش افغانستان بود.



تصویر جنگجویان شاخه خراسان داعش که تک تیرانداز ام ۲۴ با خود دارند. منبع: توئیتر

هر چند چنین چیز از همان ابتدا قابل پیش بینی بود، چون طالبان سابقه قاچاق مواد مخدر، اسلحه و انسان را دارند. با سقوط حکومت جمهوریت آنان مقدار زیادی سلاح و مهمات به دست آوردند و حالا به قاچاق سلاح و ارسال آن به گروه های دوست و رفیق در منطقه می پردازند. در ظاهر هر چند طالبان اعلان کرده اند که قاچاق اسلحه ممنوع است، اما در سطح کلان تر آن ها خود این تجارت را کنترل می کنند. به عبارت دیگر، طالبان به قاچاقچیان کوچک اجازه قاچاق را نمی دهند و آنان خود این بازار سیاه را کنترل می کنند. این کار برای طالبان سودآور است. همان گونه که تقاضا بالا می رود قیمت هم بالا می رود و این به سود آن ها تمام می شود.

اولین بار سلاح های امریکایی در دست شورشیان تحریک طالبان پاکستان در ایالت خیبر پختون خواه دیده شد. این نیروها با استفاده از سلاح امریکایی نیروهای پولیس و ارتش پاکستان را هدف قرار می دهند. به عقیده ناظران امنیتی، وجود سلاح های امریکایی یکی از عوامل افزایش تلفات نظامی در پاکستان است و در دو سال اخیر، پاکستان بیشترین تلفات نظامی را داشته است. تحریک طالبان پاکستان از دوربین های دید در شب در عملیات های شان استفاده می کنند و این موضوع نگرانی شدیدی مقام های پاکستان را برانگیخته است.

در شروع سال جاری میلادی رسانه های هندی نیز گزارش دادند که سلاح های امریکایی به دست شورشیان در کشمیر رسیده است. به نقل از رسانه های هندی، شورشیان در کشمیر سلاح های ام چهار و ام شانزده در اختیار دارند. در تازه ترین مورد، مقام های اسرائیلی نیز ادعا کرده اند که سلاح های برج مانده در افغانستان به دست شورشیان در نوار غزه رسیده است.

براساس گزارش دیده بان صلح افغانستان، بازارهای سیاه سلاح در هلمند، قندهار و ننگرهار وجود دارد. فرضیه دیگر هم فروش اسلحه توسط نیروهای امنیتی پیشین است. نیروهایی که سلاح های شان را به طالبان تسلیم نکرده اند، آن ها را در بازار سیاه فروخته اند. طالبان به گروه های همفکر خودشان نیز از سلاح های برج مانده امریکایی داده اند. در مورد رسیدن این سلاح ها به نوار غزه احتمال ترین راه، مسیر ایران - سوریه - لبنان - فلسطین است. اگر این فرض درست باشد، طالبان در سطح بزرگ تر دست به قاچاق سلاح می زنند و این موضوع ناامنی را در منطقه افزایش می دهد.

Publisher:  
Sanjar Sohail, Sanjar.sohail@8am.media

Editor-in-Chief:  
Mohammad Moheq  
Mohammad.moheq@8am.media

Facebook.com/8am.media  
Youtube.com/Hashtesubhdaily  
Twitter.com/@Hashtesubhdaily  
instagram.com/8am.media\_official  
www.8am.media

۸ صبح

روایت دیروز، آینده امروز، نوید فردا

صاحب امتیاز: سنجر سهیل  
مدیرمسوول: محمد محق  
سردبیر: حسیب بهش  
تحلیل گران: یونس نگاه، علی سجاد مولایی  
دبیر گزارش ها: فهیم امین  
دبیر تولید: محمد نوید جوایا

Sanjar.sohail@8am.media  
Mohammad.moheq@8am.media  
Hasib.bahesh@8am.media

خبرنگار ارشد: امین کاوه  
ویراستاران: محمدعلی نظری، مقیم مهران  
صفحه آرایی: رضا مرادی  
پذیرش مقالات: Info@8am.media  
پذیرش اعلان: Shaparsepehr@gmail.com • ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰ - ۰۷۸۸۸۷۹۹  
نشانی پستی: ۰۳۸-۰۲۵، پسته خانه مرکزی، کابل، افغانستان  
۸ صبح نوشته ها را ویرایش می کند. سرمقاله بازتاب دهنده دیدگاه ۸ صبح است.  
سایر دیدگاه های مطرح شده در مقاله ها، به نویسندگان آن برمی گردد.



جان کری، فرستاده ویژه ایالات متحده در امور تغییرات آب‌وهوایی می‌گوید که امریکا به کشورهای درحال توسعه آسیب‌دیده از بلایای اقلیمی، غرامت پرداخت نخواهد کرد. برنیباد گزارش رویترز، کری این اظهارات را روز پنج‌شنبه، ۱۳ جولای، در جلسه استماعیه کانگریس مطرح کرده است. او در پاسخ به این که آیا امریکا به صندوق کمک به کشورهای آسیب‌دیده ناشی از حوادث طبیعی کمک خواهد کرد یا خیر، گفت: «نه، تحت هیچ شرایطی.» این درحالی است که رهبران کشورهای فقیر در نوامبر سال گذشته و در بیست‌وهفتمین کنفرانس تغییرات آب‌وهوایی سازمان ملل متحد که در مصر برگزار شده بود، از دولت‌های ثروتمند و شرکت‌های نفتی بخاطر نقش‌شان در گرمایش زمین انتقاد کرده بودند.

## شهباز شریف: ماه آینده از قدرت کنار می‌روم



شهباز شریف، نخست‌وزیر پاکستان گفته است که دوره

تصدی دولت کنونی در ۱۴ اگست سال روان میلادی به پایان می‌رسد و او از قدرت کنار خواهد رفت. او روز چهارشنبه، ۱۲ جولای، در یک سخنرانی به رسانه‌های پاکستانی گفته است که کمیسیون انتخابات آن کشور تاریخ برگزاری انتخابات عمومی را در ماه اکتوبر یا نوامبر اعلام خواهد کرد. طبق اظهارات شریف، وی در نظر ندارد مجلس شورای ملی فعلی را قبل از موعد مقرر منحل کند. با این حال، روزنامه دان پاکستان نیز گزارش داده که اظهارات شریف یک روز پس از دیدارش با مولانا فضل‌الرحمان، رییس ائتلاف حاکم جنبش دموکراتیک پاکستان (PDM) بیان شده است.

براساس گزارش‌ها، رییس حزب دموکراتیک در این دیدار بر لزوم انحلال به موقع مجمع و برگزاری انتخابات تاکید کرده است.

در همین حال به گزارش اکسپرس تریبون، شریف همچنان افزوده است هر کسی که دولت بعدی را تشکیل دهد، باید اولویت اصلی را به آموزش و پرورش بدهد تا پاکستان را بزرگ کند.

گفتنی است که آقای شهباز شریف در ماه اپریل سال گذشته میلادی به‌عنوان نخست‌وزیر پاکستان سوگند یاد کرد.

پیش از آن، عمران خان، نخست‌وزیر پیشین پاکستان با طرح عدم اعتماد در مجلس ملی از قدرت برکنار شد.

### پوتین:

### گروه واگنر به‌گونه رسمی وجود ندارد

پس از تنش‌های اخیر میان گروه واگنر و وزارت دفاع روسیه، موضوع قانونی کردن شرکت‌های نظامی خصوصی در این کشور بالا گرفته است.

به گزارش تاس، ولادیمیر پوتین، رییس جمهور روسیه روز جمعه، ۱۴ جولای، گفته که قانونی کردن شرکت‌های نظامی خصوصی موضوع پیچیده‌ای است که باید توسط دولت و مجلس به آن رسیدگی شود.

او افزوده که شرکت‌هایی مانند واگنر (Wagner PMC) در حال حاضر از نظر قوانین روسیه وجود ندارند.

در این گزارش به نقل از پوتین آمده است: «گروه واگنر وجود دارد، اما نه از نظر قضایی.»

پوتین همچنان با تمجید از گروه واگنر خاطرنشان کرده که اعضای عادی واگنر «با عزت» می‌جنگیدند، بنابراین او بسیار متأسف است که درگیر این رویدادها شدند.

اشاره پوتین به اختلافات اخیر گروه واگنر با مقامات نظامی این کشور است که در پی آن اعضای واگنر چندین شهر روسیه را بدون درگیری زیر کنترل در آوردند و سرانجام تنش‌های چندین روزه میان واگنر و مسکو با پا در میانی الکساندر لوکاشنکو، رییس جمهور بلاروس، پایان یافت.

تنش‌ها میان دو طرف پس از آن آغاز شد که یوگنی پرېگوژین ادعا کرد که پایگاه نیروهایش در خط مقدم جنگ در اوکراین مورد حملات هوایی و راکتی روسیه قرار گرفته است.

واگنر یک شرکت امنیتی خصوصی است که متعلق به دولت روسیه دانسته می‌شود. این شرکت به‌دلیل اشتراک در جنگ‌های مختلف از جمله اوکراین به نفع روسیه، زیر تحریم‌های امریکا و اروپا قرار دارد.

### وزیران خارجه امریکا و چین در اندونیزیا دیدار می‌کنند

قرار است وزیران خارجه امریکا و چین در حاشیه نشست آسه‌آن در جاکارتا، پایتخت اندونیزیا، طی چند ماه آینده دیدار کنند.

رویترز روز پنج‌شنبه، ۱۳ جولای، گزارش داد که براساس برنامه اعلام شده از سوی وزارت خارجه امریکا، آنتونی بلینکن، وزیر خارجه این کشور در حاشیه مذاکرات اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا (آسه‌آن) در جاکارتا با وانگ یی، وزیر خارجه چین، دیدار خواهد کرد.

مقام‌های چینی تا کنون در مورد این برنامه وزارت خارجه امریکا ابراز نظری نکرده‌اند.

خبر دیدار وزیران خارجه امریکا و چین در حالی نشر می‌شود که دیروز یک حمله سایبری که منشا از چین خوانده شده است، دولت امریکا را هدف قرار داد. براساس اطلاعات، در این حمله سایبری، حساب‌های ایمیل برخی از نهادهای فدرال و وزارت خارجه امریکا هدف قرار گرفته است. پیش از این حمله سایبری نیز بالونی تجسسی که گفته می‌شود مبدأ چینی داشته است، چند ماه پیش در فضای امریکا سرنگون شد.

وزارت خارجه امریکا در حالی از ازدیدار قرب‌الوقوع بلینکن با همتای چینی‌اش خبر داده است که در این اواخر روابط دیپلماتیک واشنگتن و بیجینگ بر سر مساله تایوان و دریای جنوبی چین به وخامت گراییده است.

### چاندراپان - ۳ راهی ماه شد

هند سرانجام چاندراپان - ۳ را برای مأموریت فضایی به مهبتاب فرستاد تا رویای چندین ساله شهروندان را برآورده کند.

به گزارش رسانه‌های هندی، این سفینه ساعت ۲:۳۰ پس از چاشت روز جمعه، ۱۴ جولای، از مرکز فضایی ساتیش داوان در سرپهرایکوتا در جنوب ایالت آندرا پردیش پرتاب شد.

چاندراپان در زبان سانسکریت به معنی وسیله نقلیه مهبتاب است.

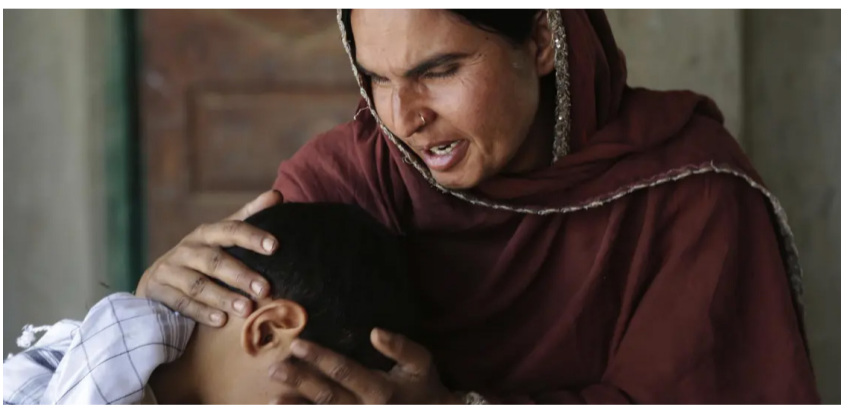
زندانرا مودی، نخست‌وزیر هند که طی یک سفر رسمی در فرانسه به سر می‌برد، گفته است: «چاندراپان-۳ فصل فیلمنامه از فصل جدید فناوری فضایی هند است و اوج



می‌گیرد و رویاها و جاه‌طلبی‌های هر سرخ‌پوستی را بالا می‌برد. این دستاورد مهم گواهی بر فداکاری بی‌امان دانشمندان ما است. من به روحیه و نبوغ آنها درود

### افزایش کودک‌آزاری در پاکستان؛

### سال جاری ۱۳۹۰ مورد ثبت شده است



براساس گزارش وزارت خانه پاکستان، کودک آزاری در ایالت پنجاب این کشور افزایش چشم‌گیری داشته و طی یک سال صدها مورد جدید به ثبت رسیده است. روزنامه داوان روز جمعه، ۱۴ جولای، با استناد به گزارش این وزارت نوشته که تنها در سال جاری میلادی دست‌کم یک هزار و ۳۹۰ مورد کودک‌آزاری در این ایالت گزارش شده است.

براساس این گزارش، کودکان پسر بیشتر از دختران در معرض آزار و اذیت قرار دارند. طبق آمارها، از میان ارقام آرایه‌شده، ۹۵۹ (۶۹ درصد) قربانی پسر و ۴۳۱ (۳۱ درصد) قربانی باقی‌مانده دختر هستند. این گزارش به‌گونه نگران‌کننده‌ای نشان می‌دهد که از مجموع مجرمانی که در دادگاه‌های پاکستان در پیوند به این رویدادها محاکمه می‌شوند، ۵۵ درصد همسایه‌گان قربانیان، ۳۲ درصد بیگانه و ۱۳ درصد از بسته‌گان هستند. در میان شهرهای این ایالت، لاهور و راولپندی با گزارش ۸۹ و ۶۹ مورد کمترین موارد کودک‌آزاری و منطقه گوجرانوالا، دی‌جی‌خان و فیصل‌آباد به‌ترتیب با گزارش ۲۲۰، ۱۹۹ و ۱۸۶ مورد در صدر شهرهای با رقم بالای کودک‌آزاری قرار دارند.

دادگاه‌های پاکستان از میان این موارد تنها ۴۴۱ پرونده را در دست بررسی دارد.

با این حال، گفته شده که شماری از قربانیان، نمی‌خواهند موارد مشابه را به پولیس گزارش بدهند و دلیل آن ترس و تابوهای فرهنگی است که این روند را دشوار می‌کند.

پاکستان از جمله کشورهای نامن برای کودکان شناخته می‌شود و بارها موارد خشونت جنسی که قربانیان آن کودکان هستند، گزارش شده است.

### وال استریت ژورنال: ۱۳ افسر ارشد ارتش روسیه به خاطر شورش واگنر بازداشت شدند

روزنامه امریکایی وال استریت ژورنال، در گزارشی از تحقیقات روسیه درباره شورش گروه واگنر و بازداشت شماری از اعضای بلندپایه ارتش این کشور خبر داده است.

برنیباد این گزارش که روز پنج‌شنبه، ۱۳ جولای، نشر شده است، مقام‌های روسی تا کنون دست‌کم ۱۳ تن از افسران ارشد نظامی این کشور را بازداشت و مورد بازجویی قرار داده‌اند.

منابع آگاه به این روزنامه گفته‌اند که وظایف ۱۵ افسر ارشد روسی دیگر نیز در پیوند به این رویداد به حالت تعلیق درآمده است.

مقام‌های کرملین تا کنون آمار رسمی از شمار بازداشت شده‌گان ویا نتیجه انجام تحقیقات درخصوص شورش گروه واگنر را منتشر نکرده‌اند.

پیش از این، خبرگزاری رویترز گزارش داده بود که به‌دنبال شورش ناموفق واگنر، شماری از جنرال‌های ارشد روسی تا کنون در انتظار عمومی ظاهر نشده‌اند. این خبرگزاری ادعا کرده بود که دست‌کم یکی از این جنرال‌ها به نام سرگئی سورویکین، بازداشت شده است.

از سوی هم، مقامات امریکایی به روزنامه نیویارک تایمز گفته بودند که جنرال سورویکین، از طرح یوگنی پرېگوژین، برای شورش نظامی علیه حکومت آگاه بود.